

# سخن و سخنوری

خلاصه از کتاب سخن و سخنوری  
استاد مرحوم محمد تقی فلسفی

تنظیم و تلخیص :

دکتر حسین سوزنچی ، پژوهشکده باقر العلوم (ع)

سرشناسه	: فلسفی ، محمد تقی، ۱۲۸۳-۱۳۷۷ .
عنوان و نام پدید آورنده	: سخن و سخنوری / تلخیص و تنظیم حسین سوزنجی: [به سفارش ] پژوهشکده باقر العلوم (ع)
مشخصات نشر	: تهران ، سازمان تبلیغات اسلامی ، شرکت چاپ و نشر بین الملل ، ۱۳۸۶
مشخصات ظاهری	: ۸۰ص .
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۳۰۴-۲۷۱-۴
وضعیت فهرست نویسی	: ۹: فیبا .
یادداشت	: کتاب حاضر خلاصه کتاب " سخن و سخنوری " تألیف محمد تقی فلسفی است .
یادداشت	: کتابنامه بصورت زیرنویس .
عنوان دیگر	: سخن و سخنوری ، برگزیده .
موضوع	: سخنرانی
موضوع	: سخنوری
شناسه افزوده	: سوزنجی ، حسین . خلاصه کننده .
شناسه افزوده	: سازمان تبلیغات اسلامی ، پژوهشکده باقرالعلوم (ع) .
شناسه افزوده	: سازمان تبلیغات اسلامی ، شرکت چاپ و نشر بین الملل .
رده بندی کنگره	: ۱۳۸۶ ۱۷-۸۳۰ ف ۲ / ف ۴۱۳۹ PN
رده بندی دیویی	: ۸۰۸/۵
شماره کتابشنسی ملی	: ۱۱۳۹-۰۶۹



## سخن و سخنوری

تألیف

استاد مرحوم محمد تقی فلسفی

تنظیم و تلخیص

دکتر حسین سوزنجی - پژوهشکده باقرالعلوم (ع)

ناشر

شرکت چاپ و نشر بین الملل

نوبت چاپ ..... اول - زمستان ۱۳۸۶

چاپ و صحافی ..... چاپخانه سپهر

شمارگان ..... ۳۰۰۰ نسخه

قیمت ..... ۱۰۰۰۰ ریال

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۳۰۴-۲۷۱-۴

حق چاپ محفوظ است .

E. mail: [intlpub@intlpub.ir](mailto:intlpub@intlpub.ir)

[WWW.Intlpub.ir](http://WWW.Intlpub.ir)

## فهرست مطالب

۱۰	پیشگفتار
۱۳	مقدمه: پیرامون سخن
۱۵	سخن و اندیشه، دو ممیزه اصلی انسان
۱۵	تفاوت‌های صدای حیوان و تکلم انسان
۱۵	۱. محدودیت
۱۵	۲. همسانی
۱۶	۳. عدم انتقال مفاهیم جدید
۱۶	تفاوت نسبی انسان و حیوان در یادگیری
۱۷	تفاوت مطلق انسان و حیوان در یاددهی
۱۸	ضرورت تبعیت زبان از عقل
۱۸	برتری تکلم بر سکوت
۲۱	بخش اول: ویژگی‌های شخصیتی سخنور
۲۲	۱. تقوی
۲۲	ضرورت تقوا برای سخنرانان
۲۲	ابعاد مختلف تقوای خطیب
۲۲	۱. هماهنگی قول و عمل
۲۳	تأثیر هماهنگی قول و عمل بر نفوذ کلام
۲۴	هماهنگی قول و عمل در سیره معصومین
۲۴	۲. انگیزه خطیب
۲۴	جمع بندی
۲۶	۲. شجاعت
۲۶	ماهیت شجاعت
۲۶	ضرورت شجاعت در هدایت مردم



- ۲۷..... شجاعت معصومین علیه السلام.....
- ۲۸..... حد و مرز شجاعت.....
- ۲۹..... بخش دوم: وظایف سخنور.....
- ۳۰..... مقدمه (سخنور و نفوذ کلام).....
- ۳۰..... مولف‌های مهم در سخنرانی.....
- ۳۰..... اول: شخصیت سخنران.....
- ۳۰..... دوم: موضوع بحث.....
- ۳۰..... سوم: هنرمندی سخنران در چگونگی القای سخن.....
- ۳۰..... مروری بر وظایف سخنور.....
- ۳۰..... ۱. آگاهی و آگاه‌سازی.....
- ۳۱..... ۲. اقناع شنوندگان.....
- ۳۱..... ۳. ترغیب به عمل.....
- ۳۳..... ۱. بصیرت.....
- ۳۳..... ضرورت آگاهی برای سخنور.....
- ۳۴..... انواع سخن گفتن بدون علم.....
- ۳۴..... ضرورت در نظر گرفتن میزان فهم شنوندگان.....
- ۳۵..... ۱. تناسب موضوع بحث با فهم مخاطب.....
- ۳۵..... ۲. تناسب حد بحث با ظرفیت مخاطب.....
- ۳۷..... ۲. حد شناسی.....
- ۳۷..... ضرورت حد شناسی.....
- ۳۷..... ابعاد حد شناسی.....
- ۳۷..... ۱. حد شناسی به لحاظ علمی.....
- ۳۷..... الف. به لحاظ خود معلومات (چه می‌خواهد بگوید):.....
- ۳۸..... ب. به لحاظ سیر بحث (چگونه می‌خواهد بگوید).....
- ۳۸..... ج. به لحاظ منبع بحث.....



۳۹	۲. حدشناسی به لحاظ اجتماعی.....
۳۹	الف. از نظر تقوی .....
۴۰	ب. از نظر وزن اجتماعی.....
۴۰	ج. از نظر واکنش سخن.....
۴۱	۳. حدشناسی به لحاظ جسمی و روانی.....
۴۲	۳. پاسخگویی به شبهات.....
۴۲	ضرورت پرهیز از پرداختن به شبهات.....
۴۲	چگونگی پرداختن به شبهه.....
۴۳	نمونه‌ای از روش درست پرداختن به شبهه.....
۴۵	بخش سوم: ویژگی‌های سخنرانی خوب.....
۴۶	۱. مقدمه سخن.....
۴۶	الف. از نظر لزوم و عدم لزوم.....
۴۶	۱. ضروری.....
۴۶	۲. غیر ضروری ولی مفید.....
۴۶	۳. غیر ضروری و زاید.....
۴۶	۴. غیر ضروری و مضر.....
۴۷	ب. رعایت کیفیت.....
۴۷	ج. رعایت کمیت.....
۴۸	۲. ساماندهی سخن (زاویه انحراف).....
۴۸	چگونگی شروع بحث.....
۴۸	مشخص کردن سیر بحث و استخراج پیام.....
۴۹	پرهیز از تناقض گویی.....
۵۰	۳. فصاحت.....
۵۰	اهمیت فصاحت.....

- مولفه‌های فصاحت ..... ۵۰
۱. استفاده از لغات فصیح ..... ۵۰
۲. ترکیب زیبای عبارات ..... ۵۰
۳. اندازه‌گیری سرعت کلام ..... ۵۱
۴. اندازه‌گیری صدا ..... ۵۱
- عوامل ضد فصاحت ..... ۵۱
۱. به کار بردن کلمات زشت ..... ۵۲
۲. وقفه در کلام ..... ۵۲
۳. لکنیت زبان ..... ۵۲
- الف. اضطراب نفس ..... ۵۲
- ب. نارسایی علمی و تردید سخنران ..... ۵۳
- ج. سخن گفتن برخلاف عقیده ..... ۵۴
- د. سخنرانی در محضر بزرگان ..... ۵۴
۴. بلاغت: ..... ۵۵
- بلاغت و ابعاد آن ..... ۵۵
۱. کمیت کلام ..... ۵۵
- برخی از عوامل پرحرفی ..... ۵۵
- الف. اصرار بر بیان همه دانسته‌ها ..... ۵۵
- ب. خروج از موضوع بحث ..... ۵۶
- ج. پرداختن به موضوعات بی‌فایده ..... ۵۶
۲. رعایت تناسب مجلس ..... ۵۶
۳. شناخت زمان و اقتضائات آن ..... ۵۷
- الف. زمان طبیعی ..... ۵۷
- ب. زمان تاریخی ..... ۵۸
- ج. زمان اجتماعی ..... ۵۹
- توجه به پیشرفتهای علمی و صنعتی ..... ۵۹
- توجه به علوم جدید ..... ۵۹
- توجه به جو سیاسی ..... ۶۰

۴. قدرشناسی و ثناگویی ..... ۶۱
۵. احترام به شخصیت شنوندگان ..... ۶۲
- الف. به نرمی سخن گفتن ..... ۶۲
- ب. نگاه به همه حضار ..... ۶۲
- ج. کیفیت نقد اجتماعی ..... ۶۳
۵. رعایت هماهنگی: ..... ۶۴
- ضرورت هماهنگی حرکات و لحن سخنور با محتوای سخنوری ..... ۶۴
- رعایت هماهنگی در سیره معصومین ..... ۶۴
- مضرات عدم رعایت هماهنگی ..... ۶۵
۶. محتوای کلام ..... ۶۷
- روش‌های القای مطلب ..... ۶۷
۱. سخنان حکیمانه و منطق مستدل ..... ۶۷
۲. موعظه نیکو ..... ۶۷
۳. جدل پسندیده ..... ۶۸
۷. فهماندن سخن ..... ۷۰
- راهکارهایی برای تفهیم سخن ..... ۷۰
۱. روانی کلام و استفاده از جملات کوتاه ..... ۷۰
۲. استفاده از مقایسه ..... ۷۰
۳. استفاده از تشبیه و تمثیل ..... ۷۱
- خاتمه: وظیفه شنوندگان ..... ۷۲

## پیشگفتار

مرحوم محمد تقی فلسفی «ره» خطیب توانایی بود که در طول حیات حدود یک قرن خویش، خدمات ارزنده‌ای به جامعه اسلامی ایران عرضه داشت. سخنرانی‌های پرشور و حرارت وی در زمان خویش نقش مهمی در هدایت جامعه به سمت تعالیم اسلام داشت و در بجهت انقلاب نیز یکی از افراد مورد اعتماد حضرت امام خمینی «ره» برای طرح پاره‌ای از مسائل سیاسی مهم در جامعه بود. در زمان حیات ایشان، بیش از حدود ۲۰۰ سخنرانی از ایشان در موضوعات مختلف، در ۱۶ جلد کتاب زیر نظر خود ایشان آماده شد که ایشان برای تبلیغ اسلام و بدون چشم‌داشت مادی، نشر آنها را به دفتر نشر فرهنگ اسلامی واگذار نمودند. اینک که در آستانه همایش صدمین سال تولد ایشان قرار داریم پژوهشکده باقرالعلوم (وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی) تصمیم به تلخیص آثار آن مرحوم گرفت تا راهی برای آشنایی ساده‌تر جامعه دینی با آراء و اندیشه‌های آن مرحوم فراهم آید. با این حال پیش از مطالعه این تلخیص‌ها توجه به چند نکته ضروری است:

۱. مرحوم فلسفی در هر موضوعی که وارد می‌شد به آیات و مخصوصاً روایات متعددی ارجاع می‌داد و متن آیه و حدیث را همراه با ترجمه توضیحی ارائه می‌نمود که این امر حکایت از تسلط خوب ایشان بر آیات و احادیث دارد؛ با این حال نه آوردن همه آنها در چنین تلخیصی میسر بود و نه چشم‌پوشی از همه آنها شایسته. رویه‌ای که در اینجا در پیش گرفته شده این است که در هر بخشی برخی از آیات و احادیثی که تناسب کاملتری با بحث داشته، انتخاب گردیده و در مورد آیات، متن آیه و ترجمه آمده اما در احادیث به ترجمه بسنده شده است و تنها در برخی موارد خاص و ضروری، عبارت عربی حدیث در پاورقی آمده است.





۲. سخنرانی‌های ایشان پر از نقل‌قول از منابع علمی، مخصوصاً منابع علمی جدید دانشمندان غربی است که تقریباً در اغلب بحث‌ها، نقل‌قولهای مستقیم و مفصلی از آثار دانشمندان مختلف یا ذکر منبع مشاهده می‌شود و کارکرد اصلی این نقل‌قولها ارائه شواهد و ادله‌ای در تایید مدعای مورد نظر است. به اقتضای تلخیص، از آوردن متن نقل‌قولها خودداری کردیم جز موارد بسیار خاصی که ضرورت بحث اقتضا می‌کرد و منابع را هم دقیقاً همان طور که در کتاب اصلی معرفی شده بود، ذکر کرده‌ایم و پیشنهاد می‌شود علاقه‌مندان به استناد، در مورد تمامی ادعاهای علمی مطرح شده در این مجموعه، به کتاب اصلی مراجعه کنند.

۳. یکی از نقطه‌ضعف‌های اصلی این تلخیص‌ها، که البته چاره‌ای هم از آن نبود، کاسته شدن از جذابیت‌های بحث ایشان است. مرحوم فلسفی بیش و پیش از هر چیز، یک خطیب زبردست بود که در سخنرانی‌های خود به مناسبت، از حکایت‌ها و داستان‌های مختلف یا در صورت ضرورت حاشیه رفتن، یا تکرار برخی نکات استفاده می‌کرد و این امور در مجموع جذابیت خاصی به سخن ایشان می‌بخشید. طبیعی است که در تلخیص چاره‌ای جز حذف این گونه موارد نبود، زیرا هدف اصلی، اطلاع یافتن از مجموعه آراء و اندیشه‌های ایشان بوده نه لذت بردن از کیفیت سخنوری ایشان. به تعبیر دیگر با این مجموعه فقط می‌توان در باب آراء و اندیشه‌های ایشان قضاوت کرد نه در باب ابعاد و فنون سخنوری ایشان.

۴. در تلخیص حاضر سعی شده که حتی‌الامکان در جملات نیز از عبارت‌پردازی‌های خود ایشان استفاده شود، البته در موارد خاص که مطلبی نیازمند توضیح بوده یا به هر دلیل دیگری لازم بوده مطلبی به سخن ایشان افزوده شود، این افزوده‌ها همگی داخل کروش، و اغلب در پاورقی‌ها آمده است.



۵. از آنجا که تمامی این کتابها که مورد تلخیص واقع شده، در زمان حیات ایشان و زیر نظر خود ایشان منتشر شده‌اند و خود ایشان مطالب هر گفتار را مجدداً بازبینی کرده‌اند، سعی کرده‌ایم در تلخیص مطالب حتی‌الامکان وحدت هر گفتار را حفظ کنیم و واحد تلخیص ما "گفتار" باشد و البته بسیار پیش آمده که مباحث داخل یک گفتار را جلو یا عقب برده‌ایم. البته موارد محدودی هست که بخاطر ارتباط وثیق یک مطلب یا مطالب گفتار دیگر، مطلبی را از گفتاری به گفتار دیگر منتقل کرده‌ایم که در تمامی این موارد، مطلب را در گفتار مقصد مشخص نموده‌ایم.

۶. کتاب اصلی دارای فهرست تفصیلی‌ای است که چندان مناسب نمی‌باشد چرا که به هیچ وجه اولویت‌بندی‌های لازم برای استخراج عناوین مراعات نشده است و خواننده با نگاه به فهرست به مقصود مولف پی نمی‌برد. به نظر می‌رسد این فهرست و حتی ظاهراً عنوان اصلی گفتارها نیز بدون نظر مرحوم فلسفی بوده است خصوصاً که در داخل متن کتاب، گفتارها فقط با شماره از هم جدا شده‌اند و عنوان آن گفتارها فقط در فهرست تفصیلی ابتدای کتاب و یا در سربرگ صفحات درج شده است. یکی از اقداماتی مهمی که در تلخیص حاضر انجام شده، استخراج فهرست‌هایی است که بتواند مطالب هر گفتار را در قالب یک نموداری منسجم در اختیار خواننده قرار دهد و خواننده با نگاه به فهرست، سیر بحث را به طور مناسبی دریابد.

ضمناً همین امر باعث شد که در معدود مواردی، عنوان دیگری به جای عنوان اصلی گفتار پیشنهاد شود، چرا که عنوان گفتار باید ناظر به کل گفتار و غرض اصلی بحث باشد. از این رو برای اینکه در عین حال برای کسانی که در هر مورد علاقه دارند به متن اصلی مراجعه کنند، مشکل پیش نیاید، عنوان درج شده در کتاب اصلی را داخل پرانتز در مقابل عنوان پیشنهادی نوشته‌ایم.



۷. به نظر می‌رسد مرحوم فلسفی در غالب کتابهای تالیف شده‌اش بیشتر دغدغه آموزشی داشته تا دغدغه منطقی، یعنی بیش از آنکه خود را به ارائه یک طبقه‌بندی منسجم و منطقی از بحث و ارائه گفتارهای مختلف در داخل این طبقه‌بندی محصور کند، سعی داشته که مخاطب خود را در یک سیر آموزشی، از نقطه‌ای حرکت دهد و به مقصد نظری خاصی برساند و آشکار است که، چپش مطالب برای انجام یک فرآیند آموزشی لزوماً از چپش مطالب در یک طبقه‌بندی منطقی تبعیت نمی‌کند. بدین منظور در اغلب آثار ایشان کوشیده‌ایم سیر گفتارها را براساس همان سیری که خود ایشان در کتابها قرار داده‌اند باقی بگذاریم. تنها موردی که از این قاعده تخطی کرده‌ایم، همین کتاب حاضر (سخن و سخنوری) بوده است. از آنجا که به نظر می‌رسید گفتارهای مجموعه حاضر گفتارهای پراکنده‌ای بوده که لزوماً ترتیب آنها مدنظر آن مرحوم نبوده و به‌علاوه قرار دادن در این ترتیب منطقی، به لحاظ آموزشی نیز بار محتوایی بهتری متقل می‌کرد، ترتیب گفتارها را براساس سیر منطقی قرار داده‌ایم و البته در اینجا نیز عنوان هر گفتار را به گونه‌ای قرار داده‌ایم که خواننده بتواند در صورت نیاز براحتی معادل همین گفتار در کتاب اصلی را بیابد.

\*\*\*\*\*

در پایان جا دارد از تمام کسانی که به هر نحوی در تهیه و به سامان رسیدن این اثر نقشی داشته‌اند تشکر کنم؛ خصوصاً آقای دکتر علی اصغر خندان که نظارت محتوایی براین کار را عهده‌دار بودند و با تذکرات شایسته خود، اصلاحات مفیدی را در متن خلاصه شده رقم زدند و آقای سجاد مهدی‌زاده که در تهیه و آماده‌سازی و تایپ و سایر امور اجرایی مربوط به انجام این کار کمک‌های فراوانی مبذول داشتند.



امید است که انجام این کار مورد رضای حضرت حق و باعث خشنودی  
روح مرحوم فلسفی گردد.

والسلام علیکم ورحمة الله

دکتر حسین سوزنچی

پژوهشکده باقر العلوم (ع)

پاییز ۱۳۸۶

www.ketab.ir

## مقدمه: پیرامون سخن

سخن و اندیشه، دو ممیزه اصلی انسان: آفریدگار جهان، انسان را به گونه‌ای آفریده که می‌اندیشد و سخن می‌گوید. نیروی تفکر و تکلم، دو فیض بزرگ خداوند می‌باشند که در پرتو این دو نعمت گرانقدر، نوع بشر بر انواع حیوانات برتری یافته است. امام باقر علیه‌السلام عقل را محبوب‌ترین آفریده نزد آفریدگار معرفی کرده و حضرت علی علیه‌السلام نیز، انسان منهای قدرت تکلم را حیوانی در صورت انسان به حساب آورده است. حضرت علی علیه‌السلام در حدیث دیگری، درباره قدر و منزلت عقل و زبان فرموده است: «انسان دو فضیلت و برتری دارد: عقل و منطق؛ با نیروی عقل حقایق را فرا می‌گیرد و خود بهره مند می‌شود و با نیروی منطق و بیان، فراگرفته‌های خویش را به دیگران می‌آموزد و آنان را نیز بهره مند می‌سازد.»

تفاوت‌های صدای حیوان و تکلم انسان: حیوانات، صداهایی را از حنجره و گلو بیرون می‌دهند و به وسیله آن اصوات، پاره‌ای از آنچه را که در ضمیر دادند، به افراد نوع خویش می‌فهمانند. اما این صداها، از جهات متعددی با سخن گفتن تفاوت دارد:

۱. محدودیت: اصوات حیوانات ناشی از وراثت طبیعی و محدود به غرایز است و از حد مقرر فراتر نمی‌رود، اما سخن گفتن انسان، ناشی از فکر و اندیشه است. انسان به مناسبت هر مورد، کلام خلق می‌کند و منویات خویش را با ادای عبارات مخصوص، برای دیگران بیان می‌کند.

۲. همسانی: هر نوعی از انواع حیوانات، صدایی مخصوص به خود دارند و چون صدای حیوان غریزی است، تمام افراد آن نوع، در گذشته و حال،

همان صدا را داشته و دارند و نسل بعد نیز از راه واثت همان صدا را خواهد داشت و هر معنایی را که یک نسل از صدایی بفهمند، نسل های قبل و بعد نیز همان معنی را درک می کنند، اما انسان، با آن که یک نوع است، هر گروهی زبان اختصاصی دارد و به زبان گروه خود سخن می گوید.

۳. عدم انتقال مفاهیم جدید: حیوانات تنها می توانند چند صدای غریزی را، برای اعلام منویات خود به کار بگیرند و جز آن چند صوت، وسیله دیگری برای انتقال منویات جدید خویش ندارند. بنابراین، اگر حیوانی مورد تعلیم و تربیت قرار گرفت و چیزهایی آموخت، قادر نیست آموخته های خویش را به فرزندان یا افراد دیگر منتقل کند.

تفاوت نسبی انسان و حیوان در یادگیری: فراگرفتن معلومات، منحصر به انسان نیست و بعضی از حیوانات هم دارای این قابلیت هستند که به میزان محدودی چیزی را یاد بگیرند و در مواقع لازم، آموخته های خود را به کار گیرند. همان طور که مثلاً بعضی از سگ ها را برای کشف جرم یا نجات مصدومین و یا کبوتر را برای نامه رسانی تربیت می کنند. اما هر چه باشد، قابلیت یادگیری و استعداد حیوان محدود است، ولی استعداد انسان در فراگیری دانش نامحدود است و به هر نسبتی که در علوم پیشرفت می کند، میزان فعالیتش گسترش می یابد و تحقیقات جدیدتری را آغاز می کند. شباهت زیاد میمون به انسان، از جهت شکل و ظاهر و دستگاه های صوتی، بعضی از روانشناسان را بر آن داشت که بچه میمونی را از نژاد عالی با بچه انسان در شرایط مساوی تحت مراقبت و تربیت قرار دهند. بچه میمون توانست مثل بچه انسان در رختخواب بخوابد، حمام بگیرد، لباس بپوشد و حتی نوشیدن از لیوان و به کار بردن قاشق را زودتر از بچه انسان یاد گرفت. او هم، مانند کودک انسان، از دیدن تصویر خود در آینه خوشحال می شد، توپ بازی می کرد و با بخار نفس خود روی شیشه های پنجره، تولید می نمود. اما

وقتی نوبت به زبان آموزی رسید، سر و صدای بچه‌گانه را نداشت و حتی ساده‌ترین کلمات زبان واقعی را هم فرا نگرفت و دیگر به رقیب خود نرسید.<sup>۱</sup> امام صادق علیه‌السلام، همین تفاوت مهم را مایه عبرتی برای آدمی معرفی کرده و می‌فرماید: «مفضل، دقت کن در خلقت میمون و شباهتی که در بسیاری از اعضای بدن، به انسان دارد..... علاوه بر این شباهت‌ها، دارای هوش و فطانتی است که اشاره‌های مریبی خود را می‌فهمد و کارهای او را تقلید می‌کند. آنچنان در ساختمان بدنش شبیه انسان است، که می‌تواند برای آدمی عبرت باشد و انسان بداند که اگر خداوند و انسان را از فضیلت عقل و ذهن و نطق بهره مند نمی‌ساخت، همانند بعضی از بهایم بود.<sup>۲</sup>

تفاوت مطلق انسان و حیوان در یاددهی: مزیت اختصاصی انسان، که حیوانات از آن بی‌بهره‌اند، خلق کلام و قدرت یاد دادن است. بشر، با خلق کلام، می‌تواند افکار و اندیشه‌های درونی خود را ابراز کند و دیگران را آگاه سازد. در پرتو سخن گفتن، که عطیه اختصاصی خداوند به بشر است، دانشمندان هر عصر توانسته‌اند معلومات گرانقدر خود را به شاگردان خویش بیاموزند و از راه قلم، که شاخه دوم عطیه بیان است، مطالب خود را به صورت کتاب بنویسند تا در دسترس نسل‌های بعد قرار گیرد. تمدن کنونی بشر و پیشرفت‌های عظیمی که در شئون مختلف، نصیب انسان امروز شده، تنها با انتقال معلومات از نسلی به نسل بعدی میسر گردیده است. سگ‌هایی که مدت‌ها تحت تربیت انسانها واقع شده‌اند و کبوترهایی که نامه‌رسانی را از مریبی خود یاد گرفته‌اند، حتی نمی‌توانند به فرزندان خود، آن مطالب را تعلیم دهند.

۱. انسان، ژان رستان، ص ۲۸

۲. بحار الانوار، ج ۳، ص ۹۷

ضرورت تبعیت زبان از عقل: عقل به منزله پشتوانه کلام است. به هر نسبت که عقل گوینده، روشن تر و مراتب درکش بالاتر باشد، کلامش وزین تر و ارزش سخنش بیشتر است. کسانی که عقل خود را به کار نبسته، از این سرمایه گرانها استفاده ننموده‌اند، سخنشان بی محتوا و کلامشان بی ارزش است و زبان با تمام ارزش و اهمیتی که دارد، اگر صاحبش آن را آزاد بگذارد و عنانش را به دست عقل ندهد، عضو مضر و خطرناکی می شود که می تواند مفسد زیادی را به بار آورد و موجب هلاکت و تباهی صاحبش گردد لذا بر هر فردی لازم است مراقب زبان خویش باشد و از سخن مضر اجتناب نماید. برتری تکلم بر سکوت: سخن گفتن آدمی، از دو دیدگاه شایان توجه است: یکی از این جهت که تکلم از عوامل تعالی و تکامل انسان است و دیگر، از جهت این که اگر سخن ناروا و گناه آلود باشد، سکوت مایه مصونیت و موجب رستگاری است. بنابراین، روایاتی که نطق را مهم و در ردیف عقل به حساب آورده، ناظر به جهت اول؛ و روایاتی که سکوت را مدح کرده، ناظر به جهت دوم است. زبان، رمز تعالی و تکامل است؛ از عوامل نشر علم و فرهنگ است، رابط بین انسانها و حافظ زندگی آنان است؛ اما در عین حال می تواند با خبرچینی و فتنه گری، بی گناهان را به کشتن دهد، خانواده ها را متلاشی کند و جامعه را به انحراف و فساد کشاند.

از امام سجاد علیه السلام سؤال شد که کدام یک از سخن و سکوت بر دیگری مزیت دارد. فرمود: «برای هر یک از این دو آفاتی است. اگر از آفات مصون باشند، کلام افضل و برتر است» پرسیدند: چرا؟ فرمود: «برای اینکه خداوند هیچ یک از پیامبران و اولیا را به سکوت مبعوث نفرموده، بلکه ایشان موظف به سخن گفتن با مردم و هدایت آنها بودند. همچنین، با سکوت، مستحق بهشت نمی شود، سکوت، مستوجب ولایت الهی نمی گردد. نیل به رحمت و ولایت الهی و محفوظ ماندن از عذاب او، بر اثر کلام است.» در





پایان فرمودند: «شما خود فضل سکوت را با کلام توصیف کنید و هرگز فضل کلام را با سکوت نمی‌نمایید.»

www.ketab.ir